

رابطه ساختار محله‌بندی بافت قدیم شهر یزد و مشارکت اهالی برای تأمین خدمات شهری

مورد نمونه: محله دولت‌آباد*

نجما اسمعیل پور**

استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۶/۱۴، تاریخ پذیرش نهائی ۹۰/۱۱/۳)

چکیده

تهیه و تدارک خدمات شهری، مستلزم صرف منابع بسیار از جمله زمان، هزینه، نیروی انسانی از سوی سازمان‌های ذیربط است. در مقابل استفاده از نیروی مشارکت مردمی با وجود روحیه مشارکت‌پذیری در میان ساکنان بافت قدیم شهر یزد، منبع ارزنده‌ای برای امر فوق در محلات آن بشمار می‌رود. بهره‌گیری دیگر بار از مشارکت مردم در محله دولت‌آباد به منظور فراهم آوردن بخشی از خدمات شهری بیش از هر چیز مستلزم شناخت متغیرهای مؤثر بر آن است.

در این پژوهش، از روش توصیفی، جهت تدوین مبانی نظری و از روش همبستگی و توصیفی-تحلیلی، برای تعیین روابط میان متغیرها و توصیف و تحلیل یافته‌ها بهره گرفته شد و مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی، به صورت تکمیل پرسشنامه، ابزار جمع‌آوری داده‌ها بودند.

مهمترین یافته‌ها عبارتند از: ساختار محله‌بندی بافت قدیم شهر یزد، احساس رقابت محله‌ای و عرق و تعلق خاطر به محله که احساس درون‌گرایی محله‌ای اهالی بافت قدیم را به همراه می‌آورد. این متغیرها تأثیر مثبت و مستقیم بر میزان مشارکت آنها در تأمین خدمات شهری دارد. اهالی محله دولت‌آباد، زمانی در ارائه خدمات شهری مشارکت می‌کنند که منفعت حاصل از آن را بیشتر از هزینه‌های آن ارزیابی کنند. تفاوت معناداری میان گرایش مردان و زنان برای مشارکت در زمینه مورد بررسی وجود ندارد و سرانجام نمی‌توان گفت: شهروندانی که پیش‌تر در امور مرتبط با محله خود به نوعی مشارکت کرده‌اند، در حال حاضر نیز تمایل بیشتری برای تأمین خدمات شهری مورد نیاز محله خود دارند.

کلید واژه‌ها:

ساختار محله‌بندی، مشارکت، شهروند، محله، بافت قدیم، خدمات شهری.

* مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با نام «بررسی متغیرهای مؤثر بر گرایش شهروندان برای مشارکت در تأمین خدمات شهری - مورد نمونه: محله دولت‌آباد در بافت قدیم شهر یزد» می‌باشد که توسط اینجانب در دانشگاه یزد تهیه شده است.

مقدمه

- بیان مسأله: شهرها در گذشته، از شاخص‌های مطلوب توسعه برخوردار بودند، ولی امروزه با افزایش انفجاری جمعیت و گسترش نامتعادل فضایی، به ضرر ساخت‌های بوم‌شناختی عمل می‌کنند. یک محیط شهری خوب و مناسب برای زندگی، مستلزم تهیه عوامل مختلفی همچون تأمین خدمات شهری، مدیریت کارآمد و ضوابط و مقررات شایسته است. در حالی که امروز، تأمین بخش قابل توجهی از خدمات شهری بر عهده شهرداری و سازمان‌های تابعه آن است؛ اما در گذشته نه چندان دور، بخش عمده‌ای از این امور را ساکنین محلات مختلف شهر خودشان انجام می‌دادند.

تقریباً تا آغاز قرن حاضر، محدوده شهر یزد، منطبق بر مجموعه سکونتگاهی بود که امروزه «بافت قدیم شهر یزد» نامیده می‌شود. این مجموعه با بافت ارگانیک، متشکل از محلات مختلفی بوده است که عمده ساکنان آن را هنوز هم مردمان بومی و دارای فرهنگ اصیل یزدی تشکیل می‌دهند. روزگاری مردمان هر محله با همفکری، همیاری، همکاری و تشریک مساعی، کلیه امور مرتبط با تدارک خدمات محله خود را انجام می‌دادند. در حقیقت، سازماندهی امور شهر قدیم، از طریق سازماندهی امور هر محله، توسط اهالی همان محله انجام می‌شد. اهالی هر محله نیز، مستقیماً از پیامدهای سودمند مشارکت که به طور کلی شامل زندگی در یک محیط اجتماعی- فرهنگی خوب و سالم بود؛ برخوردار می‌شدند. هرچند مردمان ساکن این بافت دارای روحیه نسبتاً خوبی برای مشارکت محلی بودند، اما به مرور زمان و با شکل‌گیری سازمان‌ها و نهادهای مختلف شهری، تأمین خدمات شهری متولی قانونی یافته و سازمان‌های ذیربط با صرف مبالغ هنگفت، صرف‌نظر از کمیت و کیفیت آن، مسئولیت آن را به عهده گرفته‌اند و در

مقابل سهم مسئولیت و مشارکت مردم این محله به سرعت کاهش یافته و اهالی به انسانهایی منفعل نسبت به اوضاع و احوال محله تبدیل گشته و دیگر محله نقشی در تدارک خدمات مورد نیاز خود ندارند.

- اهمیت و ضرورت: در وهله نخست، این پژوهش، گامی در جهت غنای ادبیات موضوع به شمار می‌رود. «اهمیت بنیادی پژوهش، آن است که منجر به بضاعت علمی گردد». (خورشیدی و قریشی، ۱۳۸۱: ۷۷)

به دلیل مشکلات ناشی از توسعه فیزیکی شهر یزد در ۳۵ سال اخیر، مهاجرت ساکنان بومی از محلات بافت قدیم اتفاق افتاده است. این موضوع، خود مسایل متعددی را به وجود آورده است. طبیعتاً تعاملات قوی اجتماعی گذشته و حس همبستگی آن زمان به هیچ وجه نمی‌تواند ضمانت اجرایی برای زمان‌های آتی باشد؛ همان‌طور که اکنون، واقعیت دلیل بر این مدعاست. مشارکت اهالی محلات در امور مرتبط با محیط سکونت آنها، نوعی توانمندسازی آنها در قالب یک مهارت به منظور برعهده گرفتن مسئولیت بیشتر است. این امر، به پذیرش و حمایت آنها از پروژه‌های شهری و موفقیت مسئولین و مجموعه مدیریت شهری می‌انجامد. ضمن آنکه زمینه‌ای برای تقویت حیات اجتماعی و تقویت عملکردهای محله‌ای است. مشارکت شهروندان در بخش‌های مختلف امور محلات، می‌تواند در تأمین بخشی از منابع اقتصادی، کاهش هزینه خدمات، افزایش انسجام اجتماعی، کاهش آسیب‌ها و تنش‌های شهری (در مقیاس محله)، تخصیص هزینه به سوی اولویت‌های اجتماعی و پروژه‌های زیربنایی و افزایش رضایت و تعلق خاطر شهروندان از سکونت در محله خود مؤثر باشد. بنابراین، از نظر اجتماعی- فرهنگی به افزایش حق شهروندی (فعال) و حرکت در جهت توسعه پایدار اجتماعی می‌انجامد.

است. (اصغریور، ۱۳۸۸: ۶۴-۴۳) فریادی (۱۳۸۴) در پژوهشی به ارائه روش شناسی برای تهیه و اجرای طرح های زیست محیطی محلی و مشارکتی از طریق تجزیه و تحلیل و مقایسه تجربیات کشورهای مختلف پرداخته است. از نظر این محقق، اولین و مهم ترین اصل در این روش شناسی، عبارت از تأسیس یک سازمان مستقل و قدرتمند محلی در هر محله یا شهر کوچک متشکل از انواع گروه های ذینفع است تا مستقیماً در هدایت تغییرات محیط زندگی خود نقش داشته باشند. با ایجاد چنین سازمانی، تمامی مراحل و گام های بعدی تهیه و اجرای طرح های اجرایی مشارکتی در قالب ساختار سازمان و با استفاده از اعضا آن انجام خواهد شد.

بر اساس ارزیابی شش تجربه شهرسازی مشارکتی در کشور، اگر مردم از حسن نیت و مسئولیت پذیری مقامات محلی و برنامه ریزان اطمینان یابند، حاضر به هر نوع همکاری برای اقدامات مربوط به بهسازی محیطی هستند و در جلب مشارکت مردم چنانچه به حقوق و خواسته های شان اهمیت داده شود، مردم در محروم ترین نقاط کشور از مشارکت استقبال کرده و انتظارات زیادی هم ندارند. (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۵: ۶۹)

پژوهش «مشارکت شهروندی در برنامه ریزی و مدیریت شهری؛ نمونه موردی کوی سعدی در شهر شیراز» با هدف تجزیه و تحلیل مهم ترین و مؤثرترین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی در برنامه ریزی و مدیریت شهری در ایران صورت گرفته است. (Mohammadi, 2010: 12) بر مبنای نتایج این تحقیق، متغیرهای نوع سند مالکیت، سابقه سکونت در محله، درآمد خانوارها، سطح آمیزش با فرهنگ اکثریت، تعلق به فرهنگ اکثریت و گروه های قومی و سنی

اهداف تحقیق: ارتقای مشارکت اجتماعی در محلات بافت قدیم، در جهت اداره و اصلاح امور محله و محیط مسکونی و در حقیقت سازماندهی بخشی از امور محله دولت آباد از طریق شهرسازی مشارکتی هدف نهایی این پژوهش است. آگاه سازی، حساس سازی و قادر سازی مردم محله دولت آباد به نقشی که می توانند در رفع مسایل و نیازهای محلی خود داشته باشند و سپس، برقراری و تقویت تعاملات اجتماعی بین اهالی محله با یکدیگر و با نهادهای مدیریت امور محله از جمله اهداف خردی است که به نظر می رسد حصول تمام یا بخشی از آن، در گرو تحقق اهداف عملیاتی پژوهش باشد که به صورت زیر تدوین شده اند: الف - شناسایی رابطه میان «برخی از ویژگی های فردی و متغیرهای برخاسته از ساختار محله ای دولت آباد» و «اقدام به مشارکت در تأمین خدمات مورد نیاز محله» ب- دستیابی به راهکارهایی برای تحقق سطح قابل قبولی از مشارکت ساکنین محله.

سوابق تحقیق: در پژوهش «الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها» دو متغیر بی قدرتی و ارزیابی هزینه-فایده از متغیرهای مهم در تبیین مشارکت محسوب می شوند و افراد جامعه را از حیث فعالیت های مشارکتی می توان به سه نوع «مشارکت جو»، «نیمه مشارکتی» و «مشارکت کمتر فعال» طبقه بندی کرد. (علوی تبار، ۱۳۸۰: ۱۰۹-۱۰۷) پژوهش «مشارکت اجتماعی شهروندان مشهد در امور مربوط به شهرداری و عوامل مؤثر بر آن» با حمایت مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر مشهد انجام شده است. بر مبنای نتایج این تحقیق، متغیر ترکیبی با نام «اثر بخشی شهروندی» به عنوان قوی ترین عامل مؤثر در اقدام به مشارکت تشخیص داده شد که ترکیبی از سرمایه اجتماعی و رضایت از خدمات

است. این فرآیند همچنین مردم را در مقابل یکدیگر و در مقابل جامعه مسئول تر خواهد کرد. (فتاحی، ۱۳۸۸: ۴۶)

آگر (۲۰۰۸) در تحقیق «چه کسانی شهروند فعال هستند؟ ویژگی‌های شهروندان در فرآیند برنامه‌ریزی شهری مشارکت» دریافت که تمام شهروندان، در فرآیند مشارکت یکدست و یکپارچه نیستند. آنها از نظر ساختار خانواده، شرایط سنی، شغلی، عقاید فرهنگی، انتظارات آنها از دولت‌های محلی، زمان و مدت زمانی که برای این کار در نظر می‌گیرند و... متفاوتند و نمی‌توان آنها را گروه‌های یکپارچه قلمداد کرد. (Agger, 2008: 10)

یکی دیگر از تحقیقات انجام یافته در این زمینه پروژه "NEHOM" است که بین سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۱، در ۲۹ واحد همسایگی در کشورهای انگلستان، آلمان، فرانسه، ایتالیا، سوئد، نروژ، استونی و مجارستان انجام شد. بر اساس نتایج این تحقیق، بدون مشارکت اجتماعات محلی و ساکنان محله، بهبود وضعیت فیزیکی محکوم به شکست است. درگیر کردن گروه‌های اجتماعی، یک گام ضروری به سوی گشودن فرصتهای بلند مدت برای واحد همسایگی نامطلوب است. از این رو، پیشنهادات برنامه‌ریزی در عین حال که منافع اجتماع محلی را در نظر می‌گیرد با درگیر کردن گروه‌های اجتماعی در فرایند برنامه‌ریزی و تکمیل فرایند می‌تواند تضمینی باشد؛ از این جهت که کل تغییرات به وسیله اجتماع محلی مورد پذیرش قرار گیرد. (Ka hirk, 2006, 9-25)

پروژه واحد همسایگی پارک مک دونالد در سال ۲۰۰۳ توسط شورای شهر کاملوپسز^۱ در کشور کانادا انجام گرفته است. در این مطالعه، روش‌ها، ابزارها و راهبردهایی نوین برای احیا واحدهای همسایگی ارائه و بر شیوه‌های نوین و ابتکاری مشارکت ساکنان محلی شامل شورای مشاوره واحد همسایگی^۲، انجمن واحد

افراد مهم‌ترین عوامل مطرح در این رابطه تشخیص داده شده است. (ibid:150)

بر مبنای پژوهش «عوامل مؤثر در جلب مشارکت سازمان‌های غیردولتی در حفاظت محیط‌زیست»، متغیرهای فردی (شامل سن، میزان و رشته تحصیلی و سابقه فرد در انجام مشارکت پیرامون موضوع)؛ عوامل اطلاعاتی (شامل آشنائی با فرایند و روش‌های مشارکتی)؛ عوامل مدیریتی (شامل اولویت‌بندی نیازها و مسایل، دادن اختیارات برای تصمیم‌گیری به مردم و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای فعالیتهای اجتماعی) و آگاهی از ظرفیتهای مشارکتی مردم از متغیرهای مؤثر بر گرایش شهروندان برای مشارکت است. (حجازی و عربی، ۱۳۸۷: ۱۰۶-۹۹) یزدان‌پناه (۱۳۸۶)، بیگانگی و نابسامانی فردی، میزان اطلاعات و آگاهی درباره مسایل شهری، تعدد عضویت افراد در گروه‌های غیردولتی؛ و وحیدا و نیازی (۱۳۸۳) ساختار خانواده را از دیگر متغیرهای مؤثر در این رابطه تشخیص داده‌اند.

از نظر سالیان عمر، یکی از عوامل مؤثر در راه جلب مشارکت مردمی «تأسیس نهادهای مشارکتی» است. منظور وی از تأسیس نهاد ایجاد مکانیسم‌هایی است که به طور مستمر و پایدار مکانی را در اختیار مردم قرار می‌دهد تا درباره مسایل و مشکلاتی که با آن مواجه اند به بحث پردازند. چنین نهادهایی می‌تواند به سادگی، رسمی یا غیررسمی باشند. گرچه محتمل است که این نهادها به موازات تلاش جهت بالابردن و تقویت کارهای خود رسمی شوند. علاوه بر این، او یکی دیگر از مکانیزم‌های جلب مشارکت مردمی را در وجود نظام عدم تمرکز می‌داند. منظور وی از عدم تمرکز این است که این نهادها، در سطوحی بسیار نزدیک به مردم عمل کنند. هر چه واحد عدم تمرکز کوچک‌تر باشد، مشارکت مستقیم‌تر و مداخله و کنترل آنها که مستقیماً تحت تأثیر قرار دارند، بیشتر

خاطر به محله خود، و احساس درون گرایی محله ای اهالی که نشأت گرفته از ساختار محله بندی حاکم بر بافت قدیم شهر یزد است بر اقدام ساکنین محله دولت آباد برای مشارکت در تأمین خدمات شهری مؤثر است. ب- اقدام اهالی محله دولت آباد برای مشارکت در تأمین خدمات شهری مورد نیاز، با تصوّرات «هزینه- فایده ای» افراد از پیامدهای مشارکت و سابقه قبلی آنها در انجام مشارکت و ویژگی های فردی مشارکت کنندگان، شامل جنس و سواد، رابطه دارد.

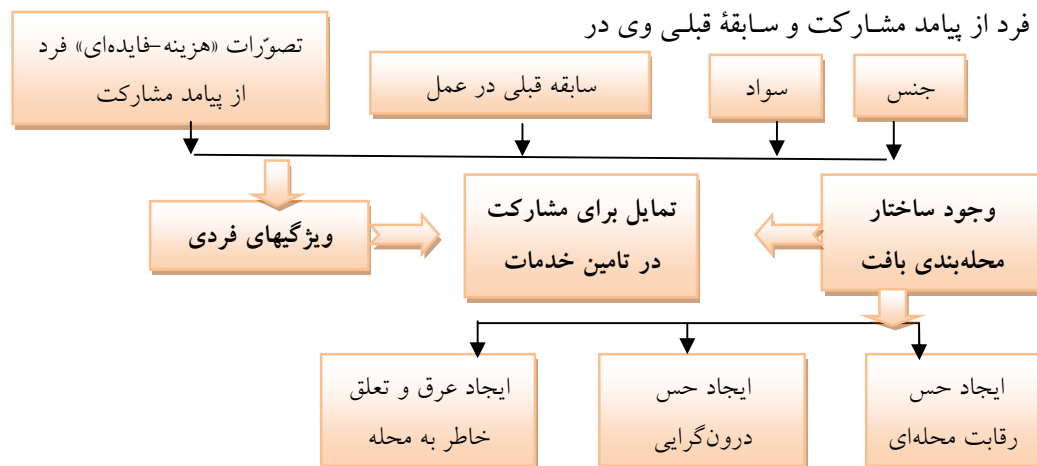
- روش تحقیق: از روش تحقیق توصیفی، جهت مرور منابع و تحقیقات پیشین، تعریف مفاهیم و تدوین مبانی نظری و از روش همبستگی و توصیفی- تحلیلی برای تعیین روابط میان متغیرها و توصیف و تحلیل یافته ها استفاده شده و گردآوری داده ها به کمک مطالعات کتابخانه ای و عملیات میدانی به وسیله تهیه و تکمیل پرسشنامه انجام شد. جامعه آماری تحقیق، شامل تمام افراد ساکن محله دولت آباد است و حجم نمونه با توجه به جمعیت ۴۰۳۲ نفری این محله (کلاتری و حاتمی نژاد، ۱۳۸۵: ۶۳) معادل ۲۶۶ نفر^۱ برآورد گردید. روش نمونه گیری، تصادفی است و برای سنجش متغیرهای کیفی از مقیاس سنجش لیکرت و در تجزیه و تحلیل یافته ها از آزمون های آماری خی دو و گاما استفاده شد. حد اندازه گیری برای متغیرهای کیفی شامل گرایش به مشارکت، احساس فایده مندی، احساس رقابت محله ای، عرق و تعلق خاطر به محله، و احساس درون گرایی محله ای ترتیبی است و برای محاسبه نمره با تعیین حداکثر و حداقل نمره ممکن (حداقل ۱۰ و حداکثر ۵۰)، سه طبقه کم (۲۲-۱۰)، متوسط (۳۶-۲۳)؛ زیاد (۵۰-۳۷) در نظر گرفته شده است و نمره دهی بر حسب جهت گیری مثبت و یا منفی گویه ها انجام گرفته است.

همسایگی^۳، راهبردهای ارتباط مردمی (روزنامه محلی، رادیو، تلویزیون، لوگو، وب سایت و...) و مشارکت اجتماع محلی، شورای مشورتی واحد همسایگی به عنوان یک ضمیمه در کنار تیم برنامه ریز فعالیت می کند. انجمن های واحد همسایگی شامل اشخاص و یا سازمان هایی با علائق مشترک هستند که موافقت کرده اند که برای دستیابی به اهداف مشترکشان با یکدیگر همکاری نمایند. در این پروژه، نحوه به دست آوردن اطلاعات «خانه باز»^۴ بود. در واقع، «خانه باز» محلی برای اجتماع عمومی، تبادل ایده ها بین برنامه ریزان و گروه های ذینفع اجتماع محلی و همچنین و فرصتی برای مردم جهت یادگیری درباره تئوری های پایداری و زیست پذیری از طریق مشاهده نمونه ها و مثال ها از بهترین فعالیت های انجام شده در برنامه ریزی واحد همسایگی که در سایر شهرها انجام شده است، فراهم می کند.^۵

- فرضیات تحقیق: یکی از گام های مهم و اولیه برای دستیابی به مشارکت فعال و دوباره اهالی در فرآیند تأمین خدمات شهری، شناخت متغیرهای تأثیرگذار در این زمینه است. با توجه به نظریات و تحقیقات تجربی موجود، متغیرهای متعددی در این رابطه نقش دارند. علاوه براین، بر اساس مطالعات اکتشافی که جهت تحقیق حاضر انجام شد، متغیرهایی نظیر وجود حس رقابت و تعارضات محله ای، وجود عرق محله ای، احساس درون گرایی افراد محله، قوانین و مقررات شهری حاکم بر بافت قدیم تحولات اجتماعی عمده و... در این رابطه وجود دارند که بر شهرسازی مشارکتی در این محلات بافت قدیم شهر یزد و بویژه محله دولت آباد تأثیر گذارند. از این رو، با علم و آگاهی به کثرت و تعدد متغیرها، در جهت تحدید آنها فرضیات تحقیق به این صورت تدوین شد: الف، احساس رقابت محله ای، عرق و تعلق

انجام مشارکت بر تمایل آنها برای انجام عمل مشارکتی در جهت تأمین خدمات شهری مورد نیاز محله دولت آباد نموده است. وجود ساختار محله‌ای بافت قدیم، موجب ایجاد احساس رقابت محله‌ای، درون گرایی محله‌ای و عرق و تعلق خاطر ساکنان به محله خود می‌گردد و این امر انگیزه مثبتی برای انجام فعل مشارکتی درون محلات بافت قدیم بوده و هست.

- معرفی متغیرها: با توجه به تئوری‌های فوق و مطالعات تجربی موجود می‌توان گفت: سازه‌ها و متغیرهایی بسیاری در ایجاد انگیزه برای عمل مشارکتی شهروندان نقش دارند؛ اما پژوهش حاضر، بر اساس مدل تحلیلی زیر اقدام به شناخت تاثیر ساختار محله‌بندی بافت قدیم و ویژگی‌های فردی (شامل جنس و سواد)، تصورات «هزینه-فایده‌ای» فرد از پیامد مشارکت و سابقه قبلی وی در



تصویر شماره ۱: مدل تحلیلی تحقیق (نگارنده)

مفاهیم مجردند و باید تعریف عملیاتی آنها آورده شود:

- تصورات «هزینه-فایده‌ای» شهروندان: به این معنا که اهالی محله به عنوان انسان‌هایی حساب‌گر، برای مشارکت در تأمین خدمات محله خود، سود و زیان آن را محاسبه می‌کنند و اگر احساس کنند مشارکت آنها بر بهتر شدن وضعیت خدمات محله تاثیر دارد و این تاثیر بیش از هزینه‌هایی است که آنها در این راه می‌پردازند، اقدام به مشارکت می‌کنند.

طیف ۸ گویه‌ای این متغیر در جدول شماره ۱ آمده است.

اقدام اهالی محله دولت آباد برای مشارکت در تأمین خدمات شهری مورد نیاز، متغیر وابسته تحقیق و عبارت از هرگونه کنش متقابل (اعم از همفکری، همکاری، تشریک مساعی)، آگاهانه، داوطلبانه فردی و جمعی کم و بیش سازمان یافته مردم محله به منظور تأمین بخشی از خدمات شهری نظیر نظیف محله، تأمین روشنایی محله، جمع‌آوری زباله، بهبود و نگهداری فضای سبز محله، ارائه خدمات ایمنی و آتش‌نشانی، احداث اماکن عمومی و... مورد نیاز محله است. سایر متغیرهای مطرح در فرضیات، متغیر مستقل اند که برخی شامل تصورات «هزینه-فایده‌ای» از پیامدهای مشارکت، احساس رقابت محله‌ای، عرق و تعلق خاطر به محله و احساس درون‌گرایی محله‌ای،

جدول شماره ۱: طیف سنجش میزان تصورات هزینه فایده‌ای شهروندان برای مشارکت در تأمین خدمات شهری محله خود

ردیف	گویه‌ها	موقعیت	ندارم	آفرین	موقعیت
۱	کمک افراد برای حل و فصل مشکلات و کمبودها در زمینه خدمات شهری محله به بهبود اوضاع محله می‌انجامد و وضعیت زندگی در محله را سروسامان می‌دهد.				
۲	رفع کمبودها و مشکلات مربوط به تأمین خدمات شهری محله به عهده سازمان‌هایی نظیر شهرداری است و کمک مردم تأثیر چندانی ندارد.				
۳	وقت گذاشتن و هزینه کردن برای بهبود وضعیت خدمات محله به نتایجی که بعداً نصیب محله و اهالی آن می‌شود، می‌ارزد.				
۴	عدم توجه افراد به وضعیت خدمات محله و بهبود آن به این دلیل است که آنها نمی‌توانند گرهی از مشکلات باز کنند.				
۵	با پیگیری امور مربوط به خدمات محله، موقعیت شناخت فرد در سازمان‌ها پدید آمده و کارهای شخصی راحت‌تر و سریعتر انجام می‌شود.				
۶	کمک افراد در حل و فصل امور محله تأثیر چندانی ندارد و بیشتر سبب از دست رفتن وقت مردم می‌شود.				
۷	هرگونه کمک برای احداث بناهای عمومی در محله می‌تواند زمینه‌ساز احترام برای فرد از سوی اهالی محله باشد.				
۸	هزینه احداث بناهای عمومی بسیار زیاد است و از عهده افراد محله خارج است.				

برای در اختیار داشتن میزان بیشتر و کیفیت بهتری از خدمات شهری در محله خود، نسبت به سایر محلات بافت قدیم است. طیف ۶ گویه‌ای این متغیر در جدول شماره ۲ آمده است.

- احساس رقابت محله‌ای: رقابت را می‌توان تلاش صلح‌آمیز افراد برای در دست گرفتن و کنترل فرصت‌ها و مزیت‌هایی که توسط دیگران درخواست می‌شود، تعریف کرد. (Swedberg, 1992) در نوشتار حاضر، منظور از رقابت محله‌ای، تلاش اهالی هر محله

جدول شماره ۲: طیف سنجش میزان رقابت محله‌ای شهروندان برای مشارکت در تأمین خدمات شهری محله خود

ردیف	گویه‌ها	موقعیت	ندارم	آفرین	موقعیت
۱	اینکه وضعیت خدمات شهری در محله ما نسبت به سایر محلات بهتر باشد، اهمیت دارد.				
۲	لازم است افراد محله در بهبود وضعیت محیط سکونت خود کمک کنند تا اوضاع زندگی در این محله بهتر سایر محلات مجاور باشد.				
۳	وضعیت ارائه خدمات شهری در محلات مجاور ربطی به ما ندارد.				
۴	اگر وضعیت روشنایی معابر، نظافت محله، جمع‌آوری زباله و... در محلات مجاور بهتر است، وظیفه ما اهالی است که به کمک هم وضعیت محله‌مان را بهبود بخشیم.				
۵	اینکه رتبه وضعیت خدمات شهری در محله ما در میان محلات بافت قدیم اول باشد، مهم است.				
۶	حاضر کم کم تا محله ما اولین رتبه را در ارائه خدمات به اهالی خود داشته باشد.				

عرق و تعلق خاطر به محله: عرق با کسر عین و به مفهوم اصل، ریشه و منشاء آورده شده و منظور از این متغیر، تمایل به ادامه زندگی و علاقه به محله و محیط مسکونی است که فرد در آن متولد و بزرگ شده است. طیف ۶ گویه‌ای این متغیر در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول شماره ۳: طیف سنجش میزان عرق و تعلق خاطر اهالی به محله برای مشارکت در تأمین خدمات شهری محله خود

ردیف	گویه ها	مقیاس	نظری ندارم	مخالفم
۱	در صورتی که وضعیت خدمات شهری در محلات مجاور نسبت به محله ما بهتر باشد، ترجیح می‌دهم در آن محله زندگی کنم.			
۲	طبیعی است که افراد محله ما به دلیل وضعیت نامناسب خدمات به سایر محلات یا نقاط شهر نقل مکان کنند.			
۳	حاضرم برای رفع مشکلات و کمبودهای محله‌ام در زمینه خدمات شهری کمک کنم چون زندگی در محله خود را ترجیح می‌دهم.			
۴	به جای رفتن به سایر محلات و نقاط شهر، بهتر است سعی کنیم به کمک هم، وضعیت خدمات محله را ارتقا دهیم.			

احساس درون‌گرایی محله‌ای: به مفهوم این که هر فرد تمایل دارد و ترجیح می‌دهد از خدمات شهری درون محله خود استفاده نماید و کمتر رغبت دارد برای رفع نیازهای خدماتی خود به سایر محلات شهر مراجعه کند. این حس، فرد را به داشتن یا تأمین

جدول شماره ۴: طیف سنجش میزان احساس درون‌گرایی محله‌ای برای مشارکت در تأمین خدمات شهری محله خود

ردیف	گویه ها	مقیاس	نظری ندارم	مخالفم
۱	در صورتی که وضعیت ارائه خدمات شهری در محلات مجاور نسبت به محله ما بهتر باشد، ترجیح می‌دهم از خدمات آن محله استفاده کنم.			
۲	طبیعی است که مردم هنگامی که وضعیت ارائه خدماتی در محله شان نامناسب باشد، آن خدمت را از محله دیگری دریافت کنند .			
۳	حاضر نیستم خدمات شهری مورد نیاز زندگی‌ام را از سایر محلات دریافت کنم و به جای رفتن و گرفتن خدماتی از محله دیگر، حاضرم برای رفع مشکلات و کمبودهای محله‌ام کمک کنم.			
۴	بهتر است محله ما نسبت به خدمات مورد نیاز ساکنانش توانا باشد و افراد هم به جای رفتن به سایر محلات و نقاط شهر، سعی کنند به کمک هم، وضعیت خدمات محله را ارتقا دهند تا بتوانند از خدمات برتر درون محله خود برخوردار باشند.			

گذرهای داخل محلات تفاوت داشت و در واقع، مرزهای کناری محله‌ها را تشکیل می‌داد. محلات را راههای بیرونی و دروازه‌ها به آبادی‌های پیرامونی وصل می‌کرد؛ و دروازه در محل ورودیهای اصلی محله‌ها ایجاد می‌شد و عامل تقویت‌کننده قلمرو هر محله بشمار می‌رفت. اکنون، شهر قدیم یزد دارای هفت محله اصلی و چهل و دو زیرمحله است. محله دولت آباد واقع در بخش غربی بافت قدیم، دارای گستره ۶۷/۷۷ هکتار، از جانب شمال به خیابان انقلاب، جنوب به خیابان شهید رجایی، شرق به بلوار امامزاده جعفر و غرب به بلوار دولت آباد محدود می‌شود. محله دولت آباد از محلات حاشیه‌ای شهر قدیم یزد به شمار می‌رود که از زیرمحلات، دولت آباد، بخشی از محله شاه‌طهماسب، تخت‌استاد، باغ‌صندل و چهارمنار تشکیل شده است. (تصویر شماره ۲)



تصویر شماره ۲: نمایش تقسیمات داخلی (زیرمحلات) محله دولت آباد شهر یزد

خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند» (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۳) و یا گنجاندن طیف گسترده‌ای از همکاریهای اعضا در

- موقعیت جغرافیایی و نظام محله‌بندی دولت آباد: در شهرهای قدیمی ایران و از جمله شهر یزد، عناصر اصلی تشکیل‌دهنده محلات عبارتند از: خانه‌های مسکونی به عنوان عنصر اولیه تشکیل‌دهنده محله‌های شهری؛ مسجد به عنوان عنصر مرکزی و هویت‌بخش محله که در میدان مرکزی قرار داشته؛ میدان و میدانچه که محل تجمع مردم، فعالیت‌های همگرا و سازگار و خدمات بوده و در مرکز محله قرار داشت و مراسم مذهبی و اجتماعی در میدان‌ها و حسینیه‌ها با حضور مردم انجام می‌گرفت؛ بازار یا بازارچه که در میدان‌ها، میدانچه‌ها و گذرها شکل می‌گرفتند و محل استقرار دکان‌های محلی شامل بقالی، قصابی، میوه‌فروشی، نانوايي و سایر خدمات، مثل آب‌انبارها و غیره، برای تأمین نیازهای روزمره و هفتگی مردم بود و بالاخره گذر و کوچه که مسیر عبور و مرور در محله و دسترسی به خدمات و مکان‌های مختلف محله بود. کوچه‌های پیرامونی با

- دیدگاه‌ها و مبانی نظری

- تعریف مشارکت شهروندی: مشارکت شهروندی را «فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه‌ای که از طریق آن، اعضای یک جامعه در امور محوله محیط مسکونی

فرایند توسعه اجتماعی به صورت ممتد از شناسایی مسایل آن گرفته تا آماده سازی، اجرا و مدیریت برنامه نیز تعریف کرده‌اند.

(Schaffe and Greenwood, 2003: 19) مشارکت به عنوان مجموعه روش‌ها و فرآیندها، نگرش‌ها و فعالیتهایی گفته می‌شود که منجر به افزایش توانایی‌های مردم شده و در کنترل عوامل تأثیرگذار بر محیط زندگی، آنها را یاری می‌کند. (دارابی، ۱۳۸۸: ۵)

- تئوریهای مرتبط

- **تئوری ساختارگرایی و مشارکت شهروندی با تأکید بر ساختار محله‌بندی:** از دیدگاه ساختارگرایان، ساختارها نظاماتی هستند که رفتارهای مشارکتی را هدایت و یا محدود می‌کنند. در حقیقت، ساختارها با فراهم کردن فضایی از منع و ترغیب، بر فاعلین درون سیستم تأثیر گذارده و فاعلین رفتار خود را با آن هماهنگ می‌کنند و در پی این رفتارهای هماهنگ، پیامدهای اجتماعی ویژه‌ای ظاهر می‌شود. (لیتل، ۱۳۷۳: ۱۶۹) ساختار محله‌بندی شهرهای ایرانی با تأثیر بر ساختار اجتماعی و فرهنگی محلات، به طور مستقیم و غیر مستقیم بر مشارکت ساکنان در امور محله اثرگذار است. در پژوهش «آسیب‌پذیری شهرهای ایران در برابر زلزله و نقش مشارکت محله‌ای در امداد رسانی آنها» ضمن تأکید بر مقیاس «محله» به عنوان مناسب‌ترین سطح کالبدی- اجتماعی که در آن زندگی اجتماعی انسان‌ها در مقیاس محدود و معین شکل گرفته و به مرور زمان سبب همبستگی و مشارکت اجتماعی می‌گردد، سرعت در امداد رسانی مهم‌ترین شاخص در مراحل اولیه وقوع زلزله است و مهم‌ترین امدادگران در چنین شرایطی افراد محلات شهرند که به صورت خودجوش و فعال در صحنه حضور یافته و هرگونه اقدام ارتقاء دهنده را بدون فوت وقت انجام می‌دهند. (پورمحمدی و

مصیب‌زاده، ۱۳۸۷) در برنامه‌ریزی مشارکتی شهرها، برنامه‌ریزی در سطح واحد همسایگی یا محله مناسب‌تر است چرا که بر دو هدف عمده تأکید دارد: نزدیک‌تر کردن سازمان‌های محلی به مردم و تنظیم عملکردهای شهری با نیازهای حوزه خاص. (شکویی و حسینی، ۱۳۸۳: ۹۸-۷۱) هر قدر یک فعالیت در اندازه و مقیاس فضایی کوچک سازمان یابد، امکان بهره‌گیری از اجزا و عناصر تشکیل دهنده‌ی آن جهت مدیریت افزایش می‌یابد. در واحدهای اجتماعی کوچک‌تر (یعنی محلات شهری) پیوندها خصوصی‌تر، روابط اجتماعی افراد قوی‌تر، مسئولیت‌پذیری آنها در جریان تصمیم‌گیری‌ها بیشتر و هماهنگی میان آنها آسان‌تر صورت می‌گیرد. هرچند نقش عوامل دیگر نظیر سن، جنس، میزان اوقات فراغت و... را نیز نباید نادیده گرفت. (علوی تبار، ۱۳۸۰: ۳۸-۱۳)

محلات، عرصه عمومی و بستر روابط اجتماعی هستند. با شکل‌گیری جامعه مدنی در عصر حاضر، شهروند، موقعیتی برتر و متفاوت از ساکن شهری یافته، او کسی است که در تصمیم‌گیریها آگاهانه و داوطلبانه شرکت می‌کند. با این اعتبار، فضای عمومی محله برای تجدید حیات مدنی اهمیت ویژه می‌یابد. محلات، عرصه‌ای هستند که روابط اجتماعی به سهولت در آن برقرار شده و نظارت اجتماعی تحقق می‌یابد. در این فضا تعاملات اجتماعی افزایش یافته و محله، مکانی برای گفت‌و شنود اجتماعی، تبلور رفتارها و هنجارهای فرهنگی می‌گردد. (حیبی، ۱۳۸۲: ۳۶) وجود میان‌کنش‌ها و روابط متقابل، ارزش‌ها و منافع مشترک، سکونت در یک محدوده جغرافیایی با مرزهای مشخص- ذهنی یا عینی- از خصایل اصلی محله است که در آن تعلق خاطر و عضویت در یک مجموعه به هم پیوسته را در ذهن متبادر می‌کند و شهروندی که عضو این واحد اجتماعی است، هویت خود را از آن طلب می‌کند. «محلات یا باهمستان‌ها»

«شهرداری بزرگتر، مشارکت شهروندی کمتر». (Martin, 1995:452) کانون تمرکز و پیوند خدمات شهری، مردم و شهرداری باید در کوچکترین حوزه ساختاری ممکن تعریف شود تا متضمن مشارکت کامل مردم در اداره امور، نظارت بر کارها، تصمیم‌گیری و مشارکت مالی باشد. پیش شرط مشارکت مردم در امور مرتبط به حوزه جغرافیایی خود «باور و اعتماد به تحول» است. دگرگونی و تغییر، تبعاً نخست باید از اندیشه و بینش جمعی گذر کند و سپس عاطفه و احساس عمومی را برانگیزد و پس از آنکه بارور شد به تغییر رفتار بیانجامد. این فرآیند، همان «توانمند شدن» است؛ به طوری که مشارکت جزء مطالبات اولیه شهروند شود. (باقی، ۱۳۸۱: ۱۱۸-۱۰۳) نخستین گام برای جلب مشارکت، مردم حفظ منزلت ساکنان محله و باور این نکته است که آنها بالقوه توانا هستند. «حساس سازی» آنها از مسایل عام محله و ضرورت ارتقای کیفیت زندگی جمعی و سپس «آگاه سازی» آنها از برنامه‌های رشد و توسعه محلی، هم حق ساکنان هر محله است و هم بر اعتماد به نفس آنها برای حضور و مشارکت واقعی می‌افزاید؛ زیرا تا مردم ضرورت مسأله را به درستی احساس نکنند، عملاً در فعالیت‌های مربوط به محل سکونت خود مشارکت نخواهند کرد. لذا، گذر از دو مرحله «حساس سازی و آگاه سازی» ساکنان یک محله را برای حضور در شکل‌های محلی و شرکت در بحث‌های گروهی برای تحلیل بهتر مسایل و تصمیم‌گیری پیرامون راه‌های برون‌رفت از آنها آماده می‌سازد. (آقابخشی، ۱۳۸۱: ۲۲۹)

- **تئوری اختیار عاقلانه و مشارکت شهروندی:** از سوی دیگر، بر اساس تئوری اختیار عاقلانه^۱، انسان‌ها مخلوقاتی عالم و قاصد هستند که فعل آنها مسبوق به دلیل و سنجش عاقلانه است. در انجام هر عملی سود

در رابطه با مشارکت محلی در راستای توسعه شهری (اعم از برنامه‌ریزی یا طراحی) واحدی مشارکت جویانه و پاسخ‌گو هستند که منجر به افزایش مشارکت در تأمین خدمات عمومی می‌گردند. همچنین، با افزایش کنترل مردم بر زندگی و معیشت خود همراه هستند تصمیم‌گیری در آنها با رعایت اصل عدم تمرکز انجام می‌گیرد. (حاجی‌پور، ۱۳۸۵: ۴۱-۴۰) مردم در محلات این احساس را دارند که جزیی از محله‌اند. محله را متعلق به خود دانسته و در آن احساس امنیت می‌کنند. مجموعه‌ای از میان‌کنش‌ها میان افراد محله وجود دارد که منجر به احساس سودمندی و مفیدبودن آنها در محله می‌شود که طبیعتاً توانایی آنها را برای مشارکت واقعی در محله افزایش می‌دهد. «میان‌تمایل شهروندان به مشارکت و اندازه محل سکونت آنها رابطه وجود دارد. در شهرهای بزرگ به واسطه ترس از گمنامی مردم، تمایل کمتری برای مشارکت دارند، هرچند شهرداری‌های بزرگ به منابع بیشتر برای تشویق و آماده‌سازی مردم در این راه دسترسی دارند». (Wang, 2001:324) در رابطه با اندازه شهر و میزان مشارکت شهروندی، دو فرضیه وجود دارد: یکی فرضیه «بزرگ، سرزنده است»^۷ که معتقد است در مناطق بزرگ‌تر، میزان مشارکت شهروندی بیشتر است و در مقابل فرضیه «کوچک، زیباست»^۸ که اظهار می‌کند تعداد مناطق کوچک به مراتب بیشتر است. هلموت سیتز، به وجود رابطه مثبت میان اندازه مناطق و تمایل به مشارکت شهروندی در آلمان - هرچند با اهمیت آماری ضعیف، معتقد است. (Crowford and et al, 2008:537) بررسی رابطه دو متغیر سطح کارآیی و گرایش به مشارکت شهروندی با اندازه شهر، دریافت که میان این متغیرها، رابطه مثبت وجود دارد. نتایج کار او بر آنچه وی آن را «باور عموم»^۹ نامید، متمرکز شد:

و تأمین مایحتاج اولیه زندگی در وضعیت مناسب نباشند، نمی‌توان شاهد تحقق مشارکت فراگیر آنان در امور شهری بود. (همان: ۹۳) از نظر هابرماس^{۱۳} افراد درگیر در هر فعالیتی اگر احساس کنند که در جامعه از اعتماد عمومی خبری نیست، سعی خواهند کرد از انجام چنین فعالیتی سر باز زنند. متغیر ترکیبی «اثربخشی شهروندی» به عنوان قوی‌ترین عامل مؤثر در اقدام به مشارکت است که ترکیبی از سرمایه اجتماعی و رضایت از خدمات است. (شکل ۳) شهروندان، زمانی به انجام کنش مشارکتی ترغیب می‌شوند که از خدمات شهرداری و دیگر سازمان‌های خدماتی شهری راضی باشند. (اصغرپور، ۱۳۸۸: ۶۴-۴۳) رسول ربانی و همکاران در پژوهش «رابطه ابعاد مادی و غیرمادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری» دریافتند که بیشتر شهروندان اصفهانی، مشارکت بالایی در امور شهری داشته و بین ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی و مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه معنی‌دار خطی تشخیص دادند. از نظر آنها هر قدر اعتماد نهادی و رضایتمندی اجتماعی شهروندان در حد بالا و احساس محرومیت آنان در حد پایین باشد، به همان اندازه مشارکت آنان در امور شهری بیشتر خواهد بود. نتایج تحقیق ربانی و همکاران نشان داد که رابطه بُعد غیر مادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری بیشتر از بُعد مادی آن است. در این رابطه کاهش احساس محرومیت نسبی از طریق تخصیص عادلانه امکانات شهری در مناطق مختلف شهرداری و رفع هر گونه تبعیض در ارائه خدمات و امکانات شهری ضروری است و از سوی دیگر برای ایجاد مشارکت فعال شهروندان مهمترین ابزار جلب اعتماد شهروندان، از سوی مسولین شهری است. (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۴)

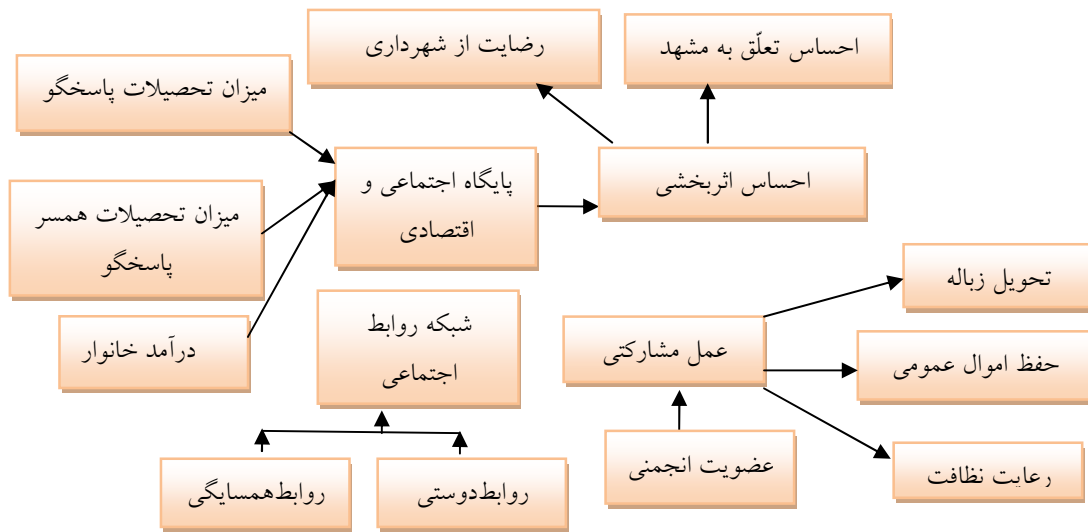
و زیان خود را محاسبه و بر مبنای آن عملی‌سنجیده که وسیله مناسبی برای رسیدن به هدف باشد را انجام می‌دهند. به عبارت ساده، مشارکت افراد مبنی بر تصورات «هزینه-فایده‌ای» آنها در جهت دستیابی به بیشترین فایده است. (لیتل، ۱۳۷۷: ۴۳)

تئوری عمل جمعی و مشارکت شهروندی:

همچنین، بر اساس تئوری عمل جمعی^{۱۱} در رفتار گروهی و مشارکتی هر فرد، تعلق خاطر مشترک به تحصیل منفعت جمعی دارد؛ اما چنین نیست که همه مایل باشند هزینه تحصیل آن منفعت جمعی را پردازند؛ بلکه هر کس تمایل دارد که دیگران مخارج را پرداخت کنند. به عبارت دیگر، در انجام مشارکت انگیزه «طفیلی‌گری و سربار دیگران شدن» وجود دارد. (همان: ۹۴)

تئوری رضایتمندی اجتماعی و مشارکت

شهروندی: رضایتمندی اجتماعی به مفهوم رضایت از محل زندگی، شغل، و اجتماع محل زیست، می‌تواند استمرار هر کنش مثبت اجتماعی از جمله مشارکت شهروندان در امور شهری را سبب گردد. دیویس، رانسیمن و کروسبی از جمله دانشمندانی هستند که تأثیر احساس محرومیت نسبی را بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، حیاتی خواندند. از نظر آنان تا زمانی که شهروندان احساس نمایند در مناطق شهری از حیث خدمات و تسهیلات دریافتی و یا از هر لحاظ، تبعیضی وجود داشته و مسئولان، نابرابری‌های شهری را دامن می‌زنند، طبیعی است که از انجام فعل مشارکتی سر باز خواهند زد. (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۳) از نظر مازلو^{۱۲}، تمام انسان‌ها دارای نیازهایی (نیازهای جسمی، نیاز به ایمنی، نیاز به روابط اجتماعی، نیاز به احترام، نیاز خویشن‌یابی و رضایت) هستند که با انگیزه برآوردن آنها به فعالیت‌های مختلف اجتماعی دست می‌زنند. بنابراین به نظر می‌رسد، تا زمانی که مردم از حیث اقتصادی، بهداشتی



تصویر شماره ۲: مدل تبیین عمل مشارکتی در شهر مشهد (اصغریور، ۱۳۸۸: ۶۰)

- **رابطه جنسیت و تمایل به مشارکت اهالی در تأمین خدمات محله:** بر اساس مندرجات جدول ۵ میزان تمایل به مشارکت کم، متوسط و زیاد زنان به ترتیب ۳۸/۳، ۳۹/۱ و ۲۲/۶ درصد و مردان به ترتیب ۳۳/۴، ۴۰/۶ و ۲۶ درصد است. خی دو محاسبه شده برای جدول ۲/۶۶٪ با درجه آزادی ۲ کمتر است و تفاوت معناداری میان جنسیت و میزان گرایش به مشارکت شهروندان اهالی در زمینه مورد بررسی دیده نمی شود.

پژوهشهای متعدد (lee, 2006, Smith, 2006, Rose, 2006) نشان داده برای افزایش مشارکت شهروندان در امور مختلف، وجود اعتماد نهادی ضروری است. عامل مؤثر دیگر، احساس محرومیت نسبی است. به این معنی که وقتی مردم به جهت نابرابری های اجتماعی، احساس نمایند که در مقایسه با دیگران یا در مقایسه امکانات شهری منطقه خود با سایر مناطق مورد تبعیض واقع گردیده اند، طبیعی است به نیاز اساسی مسئولان شهری که همانا مشارکت شهروندان در امور شهری است پاسخ مناسبی نخواهند داد.

بحث، یافته ها و آزمون فرضیات

- **توصیف مشخصات جمعیتی نمونه ها:** بر اساس نتایج حاصل از استخراج پرسشنامه ها از مجموع ۲۶۶ نمونه مورد بررسی، ۵۳/۴٪ نمونه ها مرد و ۴۶/۶٪ نمونه ها زن بودند. همچنین ۴۵٪ نمونه ها متأهل و مابقی مجرد، میانگین سنی پاسخ دهندگان ۳۸/۸ سال، مد یا نمای نمونه ها ۲۵ و میانه سنی آنها ۳۴ سال بود.

جدول ۵: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب جنس و میزان تمایل به مشارکت آنها در تأمین خدمات محله

مرد		زن		میزان تمایل به مشارکت در تأمین خدمات محله
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۳/۴	۴۶	۳۸/۳	۴۹	کم
۴۰/۶	۵۶	۳۹/۱	۵۰	متوسط
۲۶	۳۶	۲۲/۶	۲۹	زیاد
۱۰۰	۱۳۸	۱۰۰	۱۲۸	جمع

می‌یابد. براساس گامای محاسبه شده (برابر ۰/۱۰۷- در سطح معناداری ۰/۰۰۵)، باید گفت: با احتمال بیش از ۹۹٪ به نسبت افزایش سطح سواد مردم، گرایش آنها برای مشارکت در زمینه مورد بررسی نیز افزایش می‌یابد. (جدول ۶)

۳-۳ رابطه سواد و تمایل به مشارکت اهالی در تأمین خدمات محله: میزان تمایل به مشارکت زیاد افراد دارای سواد ابتدایی و کمتر (معرف افراد بیسواد و کم سواد) اندک است (۲۰/۲٪). برعکس، همین گروه تمایل به مشارکت کم آنها، بالا و معادل ۳۶/۳٪ است، در حالی که در مورد افراد دارای سواد بالاتر از دیپلم، گرایش به مشارکت زیاد آنها تا ۳۸/۱٪ افزایش

جدول ۶: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب سواد و میزان تمایل به مشارکت

میزان سواد								میزان تمایل به مشارکت در تأمین خدمات محله
جمع		بالاتر از دیپلم		دیپلم و کمتر		ابتدایی و کمتر		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۴/۶	۹۲	۲۵/۴	۱۶	۴۳/۵	۳۰	۳۶/۳	۴۶	کم
۳۹/۸	۱۰۶	۳۶/۵	۲۳	۳۱/۹	۲۲	۴۵/۵	۶۱	متوسط
۲۵/۶	۶۸	۳۸/۱	۲۴	۲۴/۶	۱۷	۲۰/۲	۲۷	زیاد
۱۰۰	۲۶۶	۱۰۰	۶۳	۱۰۰	۶۹	۱۰۰	۱۳۴	جمع

کم آنها به ترتیب ۳۴/۶ و ۳۱/۴٪ است. ضریب گامای محاسبه شده ۰/۲۸۴ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۷ است. یعنی، با سطح اطمینان بیش از ۹۹٪ می‌توان گفت: با افزایش احساس فایده‌مندی، میزان تمایل مردم در محله دولت‌آباد نسبت به انجام مشارکت در تأمین خدمات مورد نیاز محله افزایش می‌یابد.

- تصورات هزینه- فایده‌ای اهالی و گرایش آنها برای مشارکت در تأمین خدمات محله: بر اساس مندرجات جدول ۷، افرادی که احساس فایده‌مندی کمی نسبت به انجام مشارکت در زمینه مورد بررسی دارند، گرایش به مشارکت زیاد آنها اندک است (تنها ۸/۳٪) و همین گروه، گرایش به مشارکت کم آنها بالاست (برابر ۶۶/۷٪)، در حالی که افرادی که احساس فایده‌مندی زیادی نسبت به انجام مشارکت می‌کنند، میزان گرایش به مشارکت زیاد، متوسط و

جدول ۷: توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب میزان احساس فایده مندی و میزان تمایل به مشارکت

احساس فایده مندی								میزان تمایل به مشارکت در تأمین خدمات شهری
جمع		زیاد		متوسط		کم		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۵/۷	۹۵	۳۱/۴	۴۱	۳۷/۱	۴۶	۶۶/۷	۸	کم
۳۹/۸	۱۰۶	۳۴/۶	۴۵	۴۶/۸	۵۸	۲۵	۳	متوسط
۲۴/۴	۶۵	۳۴	۴۴	۱۶/۱	۲۰	۸/۳	۱	زیاد
۱۰۰	۲۶۶	۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰	۱۲۴	۱۰۰	۱۲	جمع

رابطه معناداری میان سابقه قبلی مشارکت محلی و میزان گرایش به مشارکت شهروندان اهالی محله وجود ندارد. (جدول ۸) به عبارت دیگر، بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، نمی‌توان گفت: افرادی که حداقل یکبار در فعالیت‌های مربوط به امور محله خود مشارکت نموده‌اند، نسبت به کسانی که هیچ‌گونه سابقه قبلی در این زمینه ندارند، از تمایل بیشتری برای مشارکت محلی برخوردارند.

– رابطه میان گرایش به مشارکت اهالی در تأمین خدمات محله و سابقه انجام آن: بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان دارای حداقل یک بار سابقه مشارکت در امور مربوط به محله خود بودند (۵۲/۲٪) که نشان از وجود روحیه قوی مشارکت اجتماعی در ساکنین محله دولت آباد است. به طور کلی، در محلات بافت قدیم، گرایش به مشارکت زیاد مردم (با و بدون سابقه مشارکت محلی) بالاست؛ اما خی دو محاسبه شده برای جدول ۰/۸۴ با درجه آزادی ۲ کمتر است و

جدول ۸: توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب سابقه قبلی در انجام مشارکت و میزان تمایل به انجام مجدد آن

دارای سابقه قبلی		بدون سابقه قبلی		میزان تمایل به مشارکت در تأمین خدمات شهری
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۶/۶	۳۷	۲۲	۲۸	کم
۳۳/۱	۴۶	۳۷/۸	۴۸	متوسط
۴۰/۳	۵۶	۴۰	۵۱	زیاد
۱۰۰	۱۳۹	۱۰۰	۱۲۷	جمع

محله‌ای تمایل به مشارکت زیاد آنها بالا (۴۷/۲٪) و تمایل به مشارکت کم آنها اندک است. حتی گرایش به مشارکت کسانی که این دارای این حس در حد متوسط هستند نیز گرایش به مشارکت زیاد آنها رقم بسیار قابل توجهی را نشان داد (۵۱/۹٪) و در مقابل افرادی که احساس رقابت محله‌ای ضعیف هستند، گرایش به مشارکت زیاد آنها، بسیار اندک

– رابطه میزان احساس رقابت محله‌ای ساکنین و مشارکت در تأمین خدمات محله: بر اساس مندرجات جدول ۹، اولاً: ساکنین محله دولت آباد، دارای احساس رقابت محله‌ای قوی هستند. ۵۴/۱٪ پاسخ‌دهندگان واجد احساس زیاد رقابت محله‌ای و تنها در ۱۶/۱٪ اهالی این احساس به صورت اندک وجود دارد. ثانیاً: دارندگان احساس زیاد رقابت

گامای محاسبه شده در این خصوص ۰/۲۷۳ در سطح معناداری ۰/۰۰۵ است.

است (۱۴٪). ثالثاً: افزایش این حس در مردم محله، با افزایش گرایش آنها برای مشارکت در تأمین خدمات شهری مورد نیاز محله خودشان توأم است. ضریب

جدول ۹: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب احساس رقابت محله‌ای و گرایش آنها برای مشارکت

احساس رقابت محله‌ای ساکنین								میزان تمایل به مشارکت در تأمین خدمات شهری
جمع		قوی		متوسط		ضعیف		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۳/۳	۶۲	۱۵/۳	۲۲	۲۰/۳	۱۶	۵۵/۸	۲۴	کم
۳۳/۵	۸۹	۳۷/۵	۵۴	۲۷/۸	۲۲	۳۰/۲	۱۳	متوسط
۴۳/۲	۱۱۵	۴۷/۲	۶۸	۵۱/۹	۴۱	۱۴	۶	زیاد
۱۰۰	۲۶۶	۱۰۰	۱۴۴	۱۰۰	۷۹	۱۰۰	۴۳	جمع

عرق و تعلق خاطر به محله، دارای تفاوت‌های کاملاً محسوسی است. طبق داده‌های جدول ۱۰، مردمی که احساس تعلق خاطر بالایی نسبت به محله و محیط سکونت خود دارند، گرایش به مشارکت آنها نیز بالاست (۵۲/۳٪). در این رابطه، ضریب گامای محاسبه شده ۰/۲۹۷ و سطح معناداری ۰/۰۰۵ است که بیانگر تفاوت معناداری بین احساس عرق و تعلق خاطر فرد به محله خود و گرایش به مشارکت وی در تأمین خدمات شهری مورد نیاز محله اوست و فرضیه مربوط در سطح اطمینان بیش از ۹۹٪ تأیید می‌شود.

– رابطه میزان عرق و تعلق خاطر به محله و مشارکت در تأمین خدمات محله: روابط و تعاملات اجتماعی یکی از عوامل مهم در ایجاد یا احیای تعلق عنوان شده، به طوری که تعامل اجتماعی خمیرمایه و هسته مرکزی گروه یا اجتماع را تشکیل می‌دهد و در شکل‌گیری جمعی متشکل از افراد، نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کند. در میدان تعاملات اجتماعی است که شخص به مبادلات عاطفی می‌پردازد و در نتیجه این فرآیند، پیوند میان اعضای گروه یا اجتماع اخلاقی آماده می‌سازد و تعهد، اعتماد، گذشت و فداکاری در افراد جامعه زمینه رشد می‌یابد. میزان تمایل به مشارکت افراد محله دولت آباد بر حسب

جدول ۱۰: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب عرق و تعلق خاطر به محله و گرایش آنها برای مشارکت

عرق و تعلق خاطر به محله								میزان تمایل به مشارکت در تأمین خدمات شهری
جمع		قوی		متوسط		ضعیف		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۵/۷	۹۵	۱۰/۴	۷	۳۷/۹	۳۶	۲۲/۱	۲۲	کم
۳۹/۸	۱۰۶	۳۷/۳	۲۵	۱۳/۷	۱۳	۶۵/۴	۶۸	متوسط
۲۴/۴	۶۵	۵۲/۳	۳۵	۴۸/۴	۴۶	۱۳/۵	۱۴	زیاد
۱۰۰	۲۶۶	۱۰۰	۶۷	۱۰۰	۹۵	۱۰۰	۱۰۴	جمع

ضریب گامای محاسبه شده در این رابطه ۰/۲۹۳ است، لذا این فرضیه که گرایش مردم برای مشارکت در تأمین خدمات شهری محلات بافت قدیم با میزان احساس درون گرایی محله ای رابطه دارد، در سطح اطمینان بیش از ۹۹٪ مورد تأیید است. (جدول ۱۱)

رابطه میزان احساس درون گرایی محله ای و مشارکت در تأمین خدمات محله: در میان نمونه ها، گرایش به مشارکت زیاد افرادی که احساس درون گرایی محله ای ضعیفی دارند، بسیار اندک است (۹/۱٪) و برعکس ساکنینی که این حس را به صورت قوی در خود دارند، گرایش به مشارکت زیاد آنها در زمینه مورد بررسی بالاست.

جدول ۱۱: توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب احساس درون گرایی محله ای و گرایش به مشارکت آنها

احساس درون گرایی محله ای								میزان تمایل به مشارکت در تأمین خدمات محله
جمع		قوی		متوسط		ضعیف		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۳/۸	۹۰	۲۹/۸	۳۹	۳۵/۵	۴۴	۶۳/۶	۷	کم
۳۹/۵	۱۰۵	۳۳/۶	۴۴	۴۶/۷	۵۸	۲۷/۲	۳	متوسط
۲۶/۷	۷۱	۳۶/۶	۴۸	۱۷/۸	۲۲	۹/۱	۱	زیاد
۱۰۰	۲۶۶	۱۰۰	۱۳۱	۱۰۰	۱۲۴	۱۰۰	۱۱	جمع

به این ارزش ها در مقیاس محلی بسیار مهم و اجتناب ناپذیر می نماید.

ساکنین محله دولت آباد به عنوان اصلی ترین استفاده کنندگان خدمات محله ای این بافت، دارای روحیه مشارکت پذیری قوی در تدارک خدمات مورد نیاز محیط سکونت خود هستند و در این رابطه، عرق و تعلق خاطر به محله، احساس رقابت و درون گرایی محله ای آنان سه فاکتور عمده به شمار می رود.

اهالی ساکن محله دولت آباد در مشارکت خود برای ارائه خدمات مورد نیاز، به عنوان بهره مندان اصلی، میان برخوردار شدن از مزایای هر پروژه مشارکتی و هزینه های مترتب بر آن اندیشه می کنند و چنانچه منافع این عمل را بیشتر ارزیابی کنند، اقدام به این کار خواهند کرد. لذا، جلب اعتماد مردم و اطلاع رسانی به مردم از منافی که قرار است با عمل مشارکت اجتماعی عاید آنها، گروه ها و نهادهای محله ای شود، بسیار مهم است.

نتیجه گیری

در محلات قدیمی بافت قدیم یزد، ارزش ها و احساسات اهالی، عامل عمده ای در دخالت آنها برای خلق محیط های جدید، فعالیت ها و کنش های جمعی و مشارکتی محسوب می گردد. محله دولت آباد، دارای گروه های اجتماعی و قلمرو مشخص، محیط فیزیکی معین، هویت شناخته شده توسط ساکنین خود و کنش های متقابل کارکردی و ساختاری است و با مجموعه ای از ارزش های خاص و متعدد و مرتبط با این ساختار در مورد ساکنین خود همراه است. ذات محله با تجمع اشتراکات، روحیه جمعی، نظام وابستگی ها و روابط همسایگی قوی، هویت خودجوش - که خود احساس تعلق و تعصب به محیط زندگی، رقابت و درون گرایی محله ای را آفریده - عجین است. برای استقرار فرآیندهای مشارکتی توجه

نزدیک تر ساختن مردم با یکدیگر و مردم با مسئولین محلی توأم است و برای دخالت دادن مردم در امور مربوط به محل سکونت خود، محله واحدی مشارکت جویانه، مناسب تر و پاسخگو تر است.

- با توجه به نقش متغیرهای تشخیص داده شده در این تحقیق، لازم است در سیاستگزاری ها و برنامه های آتی مسئولین و مجموعه مدیریت شهری، این متغیرها در کانون توجه واقع شوند.

- هر چند میان جنسیت و تمایل اهالی این محله برای مشارکت محلی رابطه معناداری مشاهده نمی شود، اما به نسبت افزایش سطح سواد آنان، این تمایل نیز افزایش می یابد.

- با توجه به ماهیت اجتماعی ساکنین، مبنی بر وجود پدیده مهاجرت ساکنان بومی و جایگزینی مهاجرین افغانی و عرب، و بالطبع استقرار گروه های کم درآمد در محله از یک سو و وجود ارتباط مستقیم میان متغیرهای عرق و تعلق خاطر به محله و گرایش به امور مشارکتی، ایجاد زمینهای تقویت تعلق خاطر به محله این گروه، بسیار مهم می نماید.

- باید توجه داشت که گرچه مردمان این محله هنوز هم دارای روحیه مشارکت پذیری نسبتاً قوی هستند، اما سابقه و پیشینه مشارکت اجتماعی آنان عامل عمده ای در جهت جذب آنها برای تأمین خدمات مورد نیاز محله به صورت مشارکتی محسوب نمی گردد. لذا، تشکیل جلسات محلی، کارگاه های آموزشی، نمایشگاه ها و همایش ها با هدف افزایش آگاهی و دانش مردم محله، پیرامون اصول و مبانی مشارکت آنها قبل از درگیر کردن آنها، در زمینه ای خاص (اعم از نظیف محله، جمع آوری یا بازیافت زباله، نگهداری و گسترش فضای سبز محله ای و...) پیشنهاد می شود.

- با توجه به وجود رابطه میان تمایل به مشارکت اهالی و متغیرساختار محله بندی بافت قدیم در پی ایجاد احساس عرق و تعلق خاطر به محله، احساس رقابت و درون گرایی محله ای در ساکنین محلات شهر قدیمی، استفاده از الگوی محله بندی در ایجاد بافت های جدید شهری، زمینه مناسبی برای تشویق مردم برای مشارکت در تدارک خدمات مورد نیاز این بافت ها بشمار می رود.

- همچنین، بر مبنای تئوریهای مورد اشاره در متن پژوهش، برنامه ریزی مشارکتی در سطح محلات، با

پی نوشت‌ها

- ۱- Comloops
- ۲- Neighborhood advisory committee
- ۳- Neighborhood associations
- ۴- Open house
- ۵- www.spcottawa.on.ca
- ۶- برای محاسبه حجم نمونه از رابطه کوکران استفاده گردید. در این رابطه N حجم جامعه آماری، t ضریب اطمینان که برابر با ۱/۹۶، d فاصله اطمینان و در اینجا برابر با ۶٪ و بالاخره p پیش برآورد واریانس است و مقدار آن برای دست یافتن به بزرگترین حجم نمونه معادل ۵/۰ در نظر گرفته شد. (رفیع پور، ۱۳۸۴، ص ۳۸۳)

$$N = \frac{n^2 p(1-p)}{n(d)^2 + t^2 p(1-p)}$$

۷- 'large-is-lively'

۸- 'small is beautiful'

۹- Common belief

۱۰- Rational Choice Theory

۱۱- Collection Active Theor

۱۲- Maslow

۱۳- Habemas

منابع و مآخذ

۱. آقابخش، حبیب، (۱۳۸۱)، نظام مشارکت مردم در مناطق حاشیه نشین، رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶.
۲. اصغرپور، احمدرضا، (۱۳۸۸)، مشارکت اجتماعی شهروندان مشهد در امور مربوط به شهرداری و عوامل مؤثر بر آن، مجله مشهدپژوهی، سال دوم، شماره سوم، پاییز و زمستان، صص ۶۴-۴۳.
۳. باقی، هرمز، (۱۳۸۱)، ناحیه محوری روشی نو در مشارکت عمومی، رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره پیاپی ۵، صص ۱۱۸-۱۰۳.
۴. پورمحمدی، محمدرضا و علی مصیبزاده، (۱۳۸۷)، آسیب‌پذیری شهرهای ایران در برابر زلزله و نقش مشارکت محله‌ای در امدادسانی آنها، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۲، صص ۱۱۷-۱۴۴.
۵. جاجی پور، خلیل، (۱۳۸۵)، برنامه ریزی محله- مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۳۷-۴۸.
۶. حبیبی، سیدمحسن، (۱۳۸۲)، چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوانبندی محله، هنرهای زیبا، شماره ۱۳، صص ۳۲-۳۹.
۷. حبیبی، سیدمحسن و هادی سعیدی رضوانی، (۱۳۸۵)، شهرسازی مشارکتی: تمایز مفهومی و ارزیابی تجربیات ایرانی، صفة، شماره ۴۳، دانشگاه شهید بهشتی تهران، صص ۷۰-۵۰.
۸. حجازی، سید یوسف و فائزه عربی، (۱۳۸۷)، عوامل مؤثر در جلب مشارکت سازمان‌های غیردولتی در حفاظت محیط زیست، محیط‌شناسی، سال سی و چهارم، شماره ۴۷، پاییز، صص ۹۹-۱۰۶.
۹. خورشیدی، عباس و سیدحمیدرضا قریشی، (۱۳۸۱)، راهنمای تدوین رساله و پایان‌نامه تحصیلی (از نظریه تا عمل)، تهران، یسپرون.
۱۰. دارابی، حسن، (۱۳۸۸)، نقش مشارکت در طراحی محیط روستایی، مجله محیط‌شناسی، شماره ۵۲، صص ۱۱۱-۱۲۴.
۱۱. ربانی خوراسگانی، رسول و همکاران، (۱۳۸۸)، رابطه ابعاد مادی و غیر مادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری، رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۱۰۴-۸۷.

۱۲. رفیع پور، فرامرز، (۱۳۸۴)، کندوکاوها و پنداشته‌ها- مقدمه‌ای بر روشهای شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، بی‌نام، شرکت سهامی انتشار.
۱۳. شکویی، حسین و سیدعلی حسینی، (۱۳۸۳)، سازوکارهای مشارکت شهروندان در تهیه طرحهای توسعه شهری، مدرس علوم انسانی، شماره ۳۲، صص ۷۱-۹۸.
۱۴. علوی تبار، علیرضا، (۱۳۸۰)، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد دوم، سازمان شهرداریهای کشور، تهران.
۱۵. فتاحی، فاطمه، (۱۳۸۸)، بررسی راهکارهای مشارکت اجتماعی- محلی نمونه موردی: محله مسجد جامع شهر یزد، پایان نامه کارشناسی شهرسازی دانشگاه یزد، استادارهنما: نجما اسمعیل پور.
۱۶. فریادی، شهرزاد، (۱۳۸۴)، روش‌شناسی برنامه ریزی محیط روستایی محلی با مشارکت مردم (به شکل یک سیستم مدیریت محیط زیست)، مجله محیط شناسی، شماره ۳۷.
۱۷. کلانتری، حسین و حسین حاتمی نژاد، (۱۳۸۵)، برنامه‌ریزی مرمت بافت تاریخی شهر یزد، انتشارات فراگستر، تهران.
۱۸. لیتل، دانیل، (۱۳۷۳)، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، موسسه فرهنگی صراط، تهران.
۱۹. محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۷۵)، بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی- بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی- سیاسی، نامه پژوهش فصلنامه تحقیقات فرهنگی، مرکز پژوهشهای بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. وحید، فریدون و محسن نیازی، (۱۳۸۳)، تأملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان، علوم اجتماعی، ۲۳، صص ۱۴۵-۱۱۷.
۲۱. یزدان پناه، لیلیا، (۱۳۸۶)، موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی، رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۱۳۰، ۲۶-۱۰۵.

منابع لاتین

1. Agger, Annica (2008), WORKING PAPER SERIES: Who are the active citizens? Characterizations of citizens in participatory urban planning processes, Working Paper 2008: 4 Center for Democratic Network Governance, Roskilde University, June. WWW.ruc.dk/demnergov
2. Crawford pat, Kotval Zenia, Rauhe Warren and Kotval Zeenat (2008), Social capital development in participatory community planning and design, Town Planning Review; Sep, Vol. 79 Issue 5, p533-553.
3. Martins, m. r. (1995), 'Size of municipalities, efficiency and citizen participation: a cross-European perspective', Environment and Planning C: Government and Policy, 13, 441-58.
4. Mohammadi, Hamid. (2010), Citizen Participation in Urban Planning and Management, The Case of Iran, Shiraz City, Saadi Community, Germany, Kassel University Press.
5. Schafft, K. A. and Greenwood, D. J. (2003) Promises and dilemmas of participation: action research, search conference methodology, and community development, Journal of the Community Development Society, 34(1), 18-35.
6. Swedberg, R. (1992), Market as Social Structures, the Handbook of Economic Sociology.
7. Wang, x. (2001), 'Assessing public participation in U.S. cities', Public Performance & Management Review, 24, 322-36.